

عَلَّقَمَه نيز منفرداً آن را از او نقل کرده، و سپس محمد بن ابراهيم (آيتی مدنی) از عَلَّقَمَه مذکور (= ابن وقاص مدنی) - باز هم منفرداً - نقل نموده، و در آخرين مرحله انفراد (و غرابت)، يحيى بن سعيد از همين محمد (بن ابراهيم ليثي) نقل می کند. و همين حديث، مشهور است در طرف ديگر - و ناحیه واپسين زواة آن - چون راويان آن - پس از اين چهار نفر - که هر کدام منفرداً روايت کرده بودند - ناگهان متعدد می شوند و حديث مذکور، اشتهاً پيدا می کند، تا آن اندازه، که گفته اند: بیش از ۲۰۰ کس آن را از يحيى بن سعيد مذکور (= آخرين راوی منفرد) روايت کرده اند. و حکايت شده از ابواسماعيل خزوي (عبدالله بن محمد حنبلي (م ۴۸۱ق) صاحب *منازل السائرين*) که اين حديث را از ۷۰۰ طريق روايت نموده است...

شهيد ثانی در ادامه می فرماید: ... و آنچه که ذکر نمودیم از تَفَرُّد (= انفراد) آن چهار راوی در نقل این حديث نبوی (ص)، بنابر مشهور و معروف نزد محدثین (عاقه) است، اما برخی از متأخرین (عاقه) ادعا کرده اند که این حديث را از طريق حضرت علی (ع) و نیز ابوسعید خدری (سعد بن مالک انصاری، م ۷۴ق) و نیز آنس بن مالک (ابو ثمامة الانصاری - م ۹۳ق - خادم پیامبر اکرم و مخالفین امیر المؤمنین (ع)) به همان لفظ مذکور روايت کرده اند؛ و نیز به مضمون آن، از احاديث جمعی از صحابه دیگر نقل به معنی نموده اند؛ و اگر این ادعا صحیح باشد، حديث عمر (= اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالْيَتِيَاتِ - که آن را هنگام سخنرانی به زبان آورده) از ائصاف به غرابت (که نزد آنها جلوه نيکویی ندارد - خصوصاً نزد مالک و احمد حنبل - و بالأخص از خلیفه دوم) میرا خواهد شد...

شيخ عبدالله مامقانی در تکمیل فرمایش شهيد ثانی، می گوید: ... آنچه شهيد ثانی (ره) پیرامون حديث اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالْيَتِيَاتِ ذکر نموده است، تنها مبتنی بر طریقت عاقه (در نقل احاديث) بوده؛ اما از طريق ما شيعيان، این حديث از طُرُق مخصوصه ما از ائمة اطهار - عَلَيْهِمُ السَّلَام - (بدون وساطت عُمر)، از شخص رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَ اٰلِهِ - روايت شده است (چون هر امام از پدر گرامی خویش نقل می کند...) و این بر اهل فَنِّ منخفی نیست...

منابع: *البيداية*، شهيد ثانی، ۳۴، *قياس الساندي*، شيخ عبدالله مامقانی، ۲۲۸/۱. سيد احمد سجادی

غريب المتن و السند (= الإسناد)، از ديگر انواع «حديث غريب» در اصطلاح «درایة الحديث» (حديث شناسی). و آن عبارت است از: ائصاف حديث به هر دو وصف «غريب المتن» و

۲۲۵ - سنگی) نقل می نماید...: ۸) *غريب القرآن*، شيخ فخرالدين طريحي (م ۱۰۸۵ ق)، که آن را بیش از تأليف *مجمع البحرين* (در لغات غريبه قرآن و احاديث) و در تاريخ ۱۰۵۱ ق به نگارش در آورده و در *ديباجة مجمع البحرين* به این مطلب تصريح کرده است؛ و نیز در *فهرست تصانيف خود* آن را ذکر می نماید. و کتابی ديگر نوشته بنام *نزهة الخاطر*، در لغات قرآن، که به منزله شرحی است بر *نزهة القلوب* (یا: *غريب القرآن*)، تأليف ابی بکر محمد بن عزيز سجستانی (م ۳۳۰ ق)، که طريحي آن را به ترتيب حروف تهجی مرتب و منظم ساخته و نیز بر لغات مذکوره در آن افزوده است؛ در خاتمه نیز فوايدی مهمه در فن ادبيات عربی آورده است. همچنين کتاب سومي در این رابطه نوشته، بنام *كشف غوامض القرآن*.

آقا بزرگ تهرانی در حرف غین در *الذريعة* بیش از ۳۲ تألیف و تصنیف شناخته شده با عنوان *غريب القرآن* یا *غراب القرآن* و مانند آن را نام می برد...

منابع: *البرهان* (مقدمه)، سيد هاشم تهرانی، صفحات متعدد؛ *الذريعة*، آقا بزرگ تهرانی، ۳۱/۱۶ به بعد؛ *الفوائد المدنية*، ملا محمد امين *اشترآبادی*، صفحات متعدد؛ *الکافی و الاقطاب و هدیة الاحباب*، محدث قمی، صفحات متعدد؛ *میراة النوار*، شريف ابوالحسن عاملی اصفهانی، صفحات متعدد؛ و منابعی ديگر که در متن آمده اند. سيد احمد سجادی

غَرِيبُ الْمَتْنِ، یکی ديگر از انواع «حديث غريب» در اصطلاح *درایة الحديث* (حديث شناسی) است. غريب المتن عبارت است از آن حديثی که «متن» آن «منفرداً» توسط یک نفر از صحابه معصوم (ع) روايت شده، سپس جمع بسیاری از زواة یا محدثین - در یکی از طبقات بعد از این شخص - آن را از او - مستقیماً یا با واسطه - نقل کرده اند و به حد شهرت رسیده است.

گاه از این قسم حديث، به «غريب مشهور» نیز یاد می کنند - تا قرينه ای باشد برای تمیز آن از غريب السند - چه در غريب المتن مشهور، ائصاف به «غرابت» تنها از ناحیه ابتدایی ترین مرحله نقل حديث است، و ائصاف به «شهرت» از ناحیه زواة یا محدثین طبقات و مراحل بعدی نقل حديث می باشد.

شهيد ثانی در *بيدایة الترياقية* حديث مشهور «اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالْيَتِيَاتِ» را بارزترین مثال برای این نوع حديث بر شمرده و می فرماید: ... پس این حديث، غريب است - از طرف و ناحیه اول راوی آن - چون از میان صحابه پیامبر اکرم (ص) این تنها عُمر بوده که آن را بر روی منبر سخنرانی خود نقل نموده است ... سپس

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

02 Temmuz 2018

دائرة المعارف تشیع، جلد دوازدهم، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت، ۱۳۹۱ ISAM DN. 257996

قرائن إعلال الحديث الغريب:

دراسة في ضوء تطبيقات المحدثين النقاد

مير أكبر شاه

0544
Jarib 070066

25 Ocak 2014

المقدمة:

إن علم علل الحديث يعدّ من أجل أنواع علم الحديث، وأهم فن من فنونه؛ ولذلك اهتم علماء الحديث بالحديث النبوي عموماً، وبيان علل الأحاديث على وجه الخصوص؛ وذلك لأنه بمعرفة العلل يعرف كلام النبي صلى الله عليه وسلم من غيره، وصحيح الحديث من ضعيفه، وصوابه من خطئه. قال ابن الصلاح رحمه الله: "اعلم: أن معرفة علل الحديث من أجل علوم الحديث وأدقها وأشرفها"^(١).

أهمية البحث:

تظهر أهمية البحث من خلال الأمور التالية:

أولاً: دراسة الأمور التي يجب مراعاتها عند الحكم على الحديث الغريب بالقبول أو الرد، وذلك من خلال تطبيقات المحدثين النقاد.

ثانياً: إبراز منهجية الأئمة في إعلال الحديث الغريب وعمق نظرهم ودقة أحكامهم، تتجلى منه إصابة القواعد التي ساروا عليها في تحليل الأحاديث، ويتضح منه وحدة المنهج الحديثي؛ وإن اختلفت العبارات والألفاظ.

ثالثاً: جوهرية قضية الغرابة في رواية الحديث، وأثر الغرابة في قبول الحديث أو رده، فالغرابة تعتبر أهم القرائن في تحليل الحديث.

٣- النظم القرآني عند النورسي لا ينحصر في خيط واحد فقط، بل هو نقوش تحصل من نسج خطوط متشابكة قريباً وبعداً. فالآية لها ارتباط وثيق بسابقتها كما لها ارتباطات بسائر الآي من نفس السورة.

٤- إن للفواصل القرآنية - في الاتجاه النورسي - سراً عظيماً وأسلوباً بديعاً. فهي من جانب تتضمن المقاصد الأساسية في القرآن، ومن جانب آخر تدخل في دوائر متشابكة من النظم القرآني.

٥- يرى النورسي أن للتكرار جهات ومقامات مختلفة، ونظم التكرار له علاقة وثيقة مع نظم المقاصد في القرآن. وكل ما نرى من الألفاظ المكررة يتوخى معنى معيناً واقعاً في سلسلة نظم المعاني.

٦- يعد "إرسال النظم" من المصطلحات الجديدة في كتاب إشارات الإعجاز بمعنى أن القرآن لم يضع أمانة على وجه خاص من وجوه التراكيب في كثير من الآيات الكريمة نظراً لاختلاف أحوال المخاطبين. فأوجز القرآن وحذف ليتبادر ذهن كل مخاطب إلى ما يليق بحاله. فنستطيع أن نقدر في نظم آية وارتباطها مع سابقتها وجوهاً مختلفة.

Badi' al-Zamān al-Nürsī and the Theory of Coherence and Symmetry (*Nazm*).

The coherence and symmetry of Qur'ān has been considered the first pillar in appreciating the miraculous status of the Qur'ān by Badi' al-Zamān al-Nürsī. He was greatly fascinated with 'Abd al-Qāhir al-Jurjānī while developing his theory. In his work *'Ishārāt al-'Ijāz (Allusions to the miraculous status of the Qur'ān)*, Nürsī tries to apply this theory in the interpretation of Qurānic verses, without strictly confirming to the framework provided by al-Jurjānī. He expanded this framework and developed the concept of Qur'ānic symmetry and coherence in his own way.

The coherence and symmetry is not limited to some sentences in the view of Nürsī, but extends to a wider realm; he noted and highlighted coherence the Qurānic intentions, the coherence in the related lines, and that which is displayed in the repetitive statements/narrations of the Qur'ān.

١- ابن الصلاح، علوم الحديث، تحقيق: عبد اللطيف المميم وماهر ياسين الفحل، دار الكتب العلمية، بيروت، ط ١،

070066

GARÎB

-
- 1 MEHMET AKÎF COŞKUN, Garipler hadisinin hadis tekniđi aısından tedkiki, Marmara niversitesi, Yksek Lisans, 2010

- غرائب حديث شعبة

لابن المظفر [محمد بن المظفر بن موسى البزاز ت ٣٧٩ هـ] دراسة وتحقيق عبد الله بن عبد العزيز الفصن؛ إشراف محمد مبارك السيد.. الرياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، كلية أصول الدين، ١٤٠٤ هـ... (ماجستير)

- Ibnū'l-Murāffā
- ط. ه. طابع
- Garib (070066)

23 EKIM 1996

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

HDS
F 1 KASIM 1991
madde: GARIB

A. Br. : c. , s.
B. L. : c. 111 , s. 4403
F. A. : c. 2 , s. 187 (Kavunlar B. 1)
M. L. : c. 17 , s. 958
T. A. : c. , s.

GARIB

الغريب

طريق للغريب -
جم - نان ص ١٧٧ تا ٢٢٢

4. KANDUN
EYLUL 1996

WENSINCK AREN JEAN, MIFTAHU KUNUZU'S-SUNNE.
Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 392 DİA DM NO: 04160.
KISALTMALAR:

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، مي = سنن
الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن
هشام، قد = مغازي الواقدي

٦٩٥ م ملا خاطر، خليل إبراهيم

مأثور
Aziz
Garib

حديث الأحاد: المشهور، العزيز، الغريب

اعداد خليل ابراهيم ملا خاطر. - ط ١. - جدة: مكتبة

دار الرفاء، ١٤٠٧ هـ، ١٩٨٦ م.

١٢٩ ص ٢٤٤ سم. - (المبسوط في علوم

الحديث؛ ٣)

١. حديث الأحاد ٢. الحديث - غريب.

أ. العنوان ب. السلسلة

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- غرائب الترمذي في الجامع: جمعاً ومقارنة وتخريجاً ودراسة
محمد علي محمد صالح.. المدينة المنورة: الجامعة الإسلامية،
١٤٠٥ هـ.. (دكتوراه)

التحقيق من أول الكتاب إلى نهاية الزهد

- Garib (070066)

23 EKIM 1996

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

٨٨ - صالح، محمد علي محمد
Garib (070066) - غرائب الترمذي في الجامع، جمعاً ومقارنة وتخريجاً ودراسة من أول الكتاب إلى نهاية
الزهد. المدينة المنورة: الجامعة الإسلامية، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م. دكتوراه.

31 EKIM 1996

78 HAZIRAN 1996

٨٩ - عايد، أحمد نعيم محمود
Garib (070066) - الغريب عند أصحاب المعاجم في الحديث، والأصول التي اعتمدوا عليها في تحديد
الدلالة. الإسكندرية: كلية الآداب، ١٩٨٢ م. دكتوراه. إشراف: الدكتور السيد
خليل

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

57 DOUFIKAR-AERTS, Faustina. *Garā'ib or 'agā'ib, that's the question. Vocalized script in two Arabic romances of Alexander. Moyen arabe et variétés mixtes de l'arabe à travers l'histoire. Actes du Premier Colloque International (Louvain-la-Neuve, 10-14 mai 2004)*. Ed. Jérôme Lentin et Jacques GrandHenry. Louvain-la-Neuve: Institut Orientaliste de l'Université Catholique de Louvain, 2008, (Publications de l'Institut Orientaliste de Louvain, 58), pp.165-179. (Seventeenth-century Middle Arabic manuscripts.)

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

R8 'Ajīb wa-l-gharīb fi kutub tafsīr al-Qur'ān / Sa'fī, Wahīd al-. Tunis, 2001
Khéilil, Hédi. *IBLA*, 65 ii / 190 (2002), pp.259-266 (F)

02 EYLUL 2001

المنصن، عبد الله بن عبدالعزيز
« غرائب حديث شعبة » لابن المظفر... دراسة وتحقيق. الرياض: جامعة الإمام محمد
بن سعود الإسلامية، كلية أصول الدين، ١٤٠٤ هـ. ماجستير. إشراف: الدكتور
محمد مبارك السيد.

23 EKIM 1996

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

13 MAYIS 1991

جامع الأصول من أحاديث الرسول

للإمام أبي السعادات مبارك بن محمد

ابن الأشير الجعزي

٥٤٤ - ٦٠٦ هـ
رحمه الله وغفر له

GARIB (HDS)
(101-104)

حَقَّقَهُ
ممد كاندافقي
رئيس جماعة أنصار السنة المحمدية

أشرف علوطبته
العلامة الفقيه الأستاذ الأكبر
الشيخ عبد المجيد سليم
شيخ الجامع الأزهر

الجزء الاول

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No :	189-1
Tasnif No. :	294.333 EŞİ.C

الطبعة الأولى
١٣٧٠ هـ - ١٩٥٠ م
الطبعة الثانية
١٤٠٠ هـ - ١٩٨٠ م

أعاد طبعه
دار احياء التراث العربي
بيروت - لبنان

- ١٠٣ -

وروى أيوب السختياني، وعبيد الله بن عمر وغير واحد من الأئمة هذا الحديث عن نافع عن ابن عمر، ولم يذكروا فيه « من المسلمين » فأخذ جماعة من الأئمة بحديث مالك، واحتجوا به، منهم: الشافعي، وأحمد ابن حنبل، وغيرهما .

قالوا: إذا كان للرجل عبيد غير مسلمين لم يؤد عنهم صدقة الفطر . فإذا زاد حافظ ممن يعتمد على حفظه وثقته قبل ذلك منه، وكان الحديث مع ذلك غريباً لهذه الزيادة .

ورب أحاديث مشهورة في أيدي الناس متداولة بين الأئمة لم يخرج منها في الصحيح شيء .

ورب أحاديث خرجت في الصحيح، وهي غير مشهورة ولا متداولة بين الأئمة .

ورب حديث شاذ انفرد به الثقة، إلا أنه لا أصل له، ولا يتابع عليه، فيخالف فيه الناس، ولا يعرف له علة يعلل بها، فإن الحديث للعلل: هو ما عرفت علة، فذكرت، فزال الخلل منه .

والشاذ: مالا يعرف له علة .

ورب حديث يروى من أوجه كثيرة، وإنما يستغرب لإسناده .

مثل: ما حدث أبو كريب وأبو هشام الرفاعي، وأبو السائب، والحسين ابن الأسود قالوا: حدثنا أبو أسامة عن برید بن عبد الله بن أبي بردة عن جده أبي بردة عن أبي موسى: أن النبي صلى الله عليه وسلم قال « الكافر يأكل في سبعة أمعاء، والمؤمن يأكل في وعى واحد » هذا حديث غريب من قبل إسناده، فإنه قدر وى هذا الحديث من غير وجه . وإنما استغرب من حديث أبي موسى لا غير .

- ١٠١ -

بالحديث والفتحة - قال في آخر كتابه الجامع: إن جميع ما في كتابنا من الحديث معمول به، وأخذ به بعض أهل العلم، ما خلا حديثين . أحدهما: حديث ابن عباس « أن النبي صلى الله عليه وسلم جمع بين الظهر والمصر بالمدينة، والمغرب والعشاء . من غير خوف ولا سفر » . والثاني: حديث معاوية: أن النبي صلى الله عليه وسلم قال « إذا شرب الخمر فاجلدوه، فإن عاد في الرابعة فاقتلوه » .

وما عدا هذين الحديثين فقد عمل به قوم وترك العمل به آخرون . فإذا كان كتاب الترمذي على كثرة ما فيه من الأحاديث، لم يسقط العمل بشيء منه إلا بحديثين، فكيف يُظن أنه لا يصحح إلا ما في كتابي البخاري ومسلم ؟

القسم الثاني

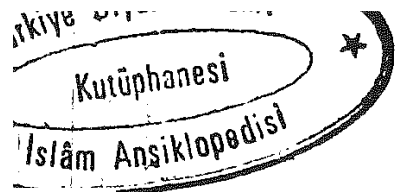
في الغريب والحسن وما يجري مجراها

قد تقدم في القسم الأول ذكر الصحيح المتيقن عليه .

والمتخالف فيه: يدخل في هذا القسم عند من خالف في صحته .

والغريب أنواع أخرى من جهات متعددة، فرب حديث يخرج في الصحيح، وهو غريب من جهة طريقه، مثل: حديث جابر بن عبد الله في حفر الخندق، وجوع النبي صلى الله عليه وسلم، وتصدير بطنه، وذكر أهل الصفة، وهو حديث طويل قد أخرجه البخاري، وقد انفرد به عبد الواحد بن أيمن عن أبيه، وهو من غرائب الصحيح .

ومثل حديث عبد الله بن عمرو لما حاصر النبي صلى الله عليه وسلم الطائف وقوله « إنا قافلون غداً » الحديث . وقد أخرجه مسلم في كتابه، وهو غريب انفرد به السائب فروغ الشاعر عن ابن عمرو .



نورالدين عيتر
دكتوراه في علم الحديث من جامعة الأزهر
مدرس في كلية الشريعة بجامعة دمشق

Garib

الإمام الترمذي

والموازنة بين جامعيه وبين صحيحين

١٣٩٠هـ - ١٩٧٠م

الحديث لمعان : رب حديث يكون غريباً لا يروى إلا من وجه واحد : . . .
ورب حديث إنما يستغرب لزيادة تكون في الحديث . . . ، ورب حديث
يروى من أوجه كثيرة ، وإنما يستغرب لحال الإسناد . . . (١) ١ هـ ،
وهذا موافق لما قاله العلماء في تعريف الحديث الغريب أنه : (ما انفرد
راو بروايته مطلقاً ، سواء كان عن إمام يجمع حديثه كالزهري وقتادة ،
أو لا يجمع حديثه ، أو انفرد بزيادة في متنه أو إسناده) (٢) .

موافقة اصطلاح
العلماء له

بيان ذلك : أن قولهم (ما انفرد راو بروايته) أعم من أن يكون الإنفراد
بالسند وال متن جميعاً ، أو بالسند فقط ، فشمّل ذلك ما أفاده الترمذي في
عبارة الأولى والثالثة ، لأن مراده بقوله « يستغرب لحال الإسناد » ،
التفرد بالإسناد ، وقولهم : (أو انفرد بزيادة . . . إلخ) هو معنى قوله :
« ورب حديث إنما يستغرب لزيادة تكون في الحديث » . . .

فما حدد به الترمذي الحديث الغريب موافق لاصطلاح العلماء وتعريفهم
له . ولذلك قال « فان أهل الحديث يستغربون » فأفاد بذلك أنه جرى على
اصطلاحهم .

وينقسم الحديث الغريب بحسب موضع التفرد إلى قسمين : غريب متناً
وإسناداً ، وغريب إسناداً لا متناً .

فالقسم الأول : « الغريب متناً وإسناداً » : هو الحديث الذي تفرد
برواية متنه راو واحداً لم يرو عن غيره (٣) ، وفيه يقول الترمذي « رب حديث
يكون غريباً لا يُروى إلا من وجه واحد » ، ويدخل فيه التفرد بزيادة
في المتن أيضاً .

(١) ج ٢ ص ٣٤٠ - ٣٤١ . بتجريد العبارة عن الأمثلة التي ذكرها خلال كلامه .
(٢) هذا ما يتحصل من كلامهم في الغريب وينحوه عرفه القاسمي في قواعد التحديث
ص ١٢٥ . وانظر مقدمة ابن الصلاح ص ١١٠ وشرح العراقي على ألفه ج ٤ ص ٢ - ٢
- وفتح المغيث للسخاوي ص ٢٤٣ .
(٣) انظر مقدمة ابن الصلاح ص ١١١ وشرح العراقي على ألفيته ج ٤ ص ٤ وتدريب
الراوي ص ٣٧٦ .

TROISIÈME SÉANCE

LE MERVEILLEUX
DANS LA FAUNE, LA FLORE
ET LES MINÉRAUX

Rapport de M. Tawfiq FAHD
(Professeur à l'Université de Strasbourg)

L'ÉTRANGE ET LE MERVEILLEUX
DANS L'ISLAM MÉDIÉVAL,
Paris, 1978, s. 117-165

IRCICA: 7001

- Garabet
- Garib
- Acaibu'l-Mahlukat

I. DÉLIMITATION DU SUJET

1. Dans la pensée religieuse de l'Orient médiéval, non seulement musulman mais encore chrétien et juif, tout dans la création est merveilleux, à l'instar de l'acte du Créateur lui-même. Dans tout atome apparaît sa merveilleuse sagesse et son extraordinaire puissance. De ce fait, le merveilleux devient l'ordinaire, le quotidien et partant l'indistinct.

Cependant, il n'en demeure pas moins vrai que le merveilleux a des degrés et que ses manifestations peuvent être classées en échelons dont l'élévation est fonction de leur degré d'éloignement du « merveilleux ordinaire », si l'on peut s'exprimer ainsi.

Bien que l'homme, microcosme, concentre en lui l'essentiel de la sagesse du Créateur, le merveilleux en lui est si habituel qu'il exige une méditation dirigée pour être perceptible aux yeux du commun des gens. Seuls le philosophe, le théologien, le mystique en sont pleinement conscients. Il en est de même des merveilles de l'univers, comme celles de la sphère céleste, des phénomènes atmosphériques, de la configuration de la terre et des mers, de l'immense diversité des êtres vivants, des végétaux et des minéraux. Seules sont perceptibles les manifestations inhabituelles, tels, par exemple, l'apparition des comètes, les météores, les éclipses, les

07 TEMMUZ 1996

Y. Karaduman

QUATRIÈME SÉANCE

LA PLACE DU MERVEILLEUX
ET DE L'ÉTRANGE
DANS LA CONSCIENCE DU MONDE
MUSULMAN MÉDIÉVAL

Rapport de M. Maxime RODINSON

(Directeur d'études à l'École pratique
des Hautes Etudes - IV^e section)

L'ÉTRANGE ET LE MERVEILLEUX
DANS L'ISLAM MÉDIÉVAL,
Paris, 1978, s. 167-217.
IRCICA : 7001

- Harikulade
- Garabet
- Garib

07 JUILLET 1996

Les concepts arabes spontanés, adoptés par la civilisation islamique, qui correspondent le plus étroitement aux concepts français de « merveilleux » et d'« étrange » sont ceux qu'expriment les termes *'ajab* et *gharib*. Il faut évidemment tenir compte du développement polysémique des significations qui s'y attachent. Bornons-nous ici au sens étymologique et originel. Le mot *'ajab* exprime l'émerveillement avec insistance sur l'attention provoquée par l'objet merveilleux, connotation de plaisir et d'admiration, notamment de plaisir sensuel, de désir (seul sens conservé par l'hébreu *'agab* « désirer [sensuellement] », *'agabah* « désir sensuel, passion érotique »). Comp. *ta 'ajjaba* « inspirer de l'amour, tourner la tête de quelqu'un », *'ujb*, *'ijb* « homme qui recherche la société des femmes », etc., et cf. Imru l-qays, *mu 'allaqa*, 11 ; T'arafa, *mu 'allaqa*, 61 par ex. Le *gharib* est fondamentalement ce qui est étranger, ce qui vient d'ailleurs (même sens de la racine en minéen et en sabéen ; d'où sans doute hébreu *'arabah* « désert »), d'où ce qui est étrange, rare, étonnant, par un développement sémantique fréquent, attesté notamment en grec, en français, en anglais, etc.

La perception d'êtres et de phénomènes comme inhabituels est universelle et s'observe également chez les animaux. C'est un des facteurs qui déterminent l'attention. Elle est à l'origine d'émotions variées suivant

Janib
20 MARCH 2002
MADE IN TURKEY
SONRA BEZEN BOKUMAN

غريب: الغريب وصف يطلق على الإنسان، وعلى نوع مخصوص من حديث رسول الله ﷺ.

١ - الإنسان الغريب:

أ - تعريفه: هو الإنسان الذي يكون خارج وطنه.

ب - أحكامه: تطبق على الإنسان الغريب الأحكام التالية:

(١) تقديم الغريب على المقيم في الحصول على حاجاته: يقدم الغريب على المقيم في الحصول على ما يحتاج إليه، قال عمر بن الخطاب «ابن السبيل أحق بالماء والظل من الثاني» - أي المقيم - عليه^(١).

(٢) ضيافة الغريب: تجب ضيافة الغريب المحتاج في الأماكن التي ليس فيها مرافق خدمة للغرباء كالفنادق والمطاعم (ر: ضيافة).

(٣) نفاذ نفقة الغريب: إذا نفدت نفقة الغريب، فإنه يعطى من الزكاة ما يبلغه المكان الذي يقصده (ر: زكاة/١٤ب١).

(٤) الغريب إن كان مسافراً، فإنه تطبق عليه أحكام السفر (ر: سفر).

٢ - الحديث الغريب:

أ - تعريفه: الحديث الغريب هو الذي تفرّد راويه بروايته عن شيخه، لم يروه عنه أحد غيره.

ب - أنواعه: الحديث الغريب على نوعين:

(١) غريب متناً وإسناداً: وهو الحديث الذي لا يُروى إلا من وجه واحد، كحديث (كلمتان حبيبتان إلى الرحمن، خفيفتان على اللسان، ثقيلتان في الميزان، سبحان الله وبحمده، سبحان الله العظيم)^(١) فقد تفرّد به أبو هريرة، ثم تفرّد به عن أبي هريرة أبو زرعة، ثم تفرّد به عن أبي زرعة عُمارة، وتفرّد به عن عُمارة محمد بن فضيل.

(٢) غريب إسناداً لا متناً: وهو الحديث الذي اشتهر بوروده عن راو معين من عدة طرق، ثم تفرّد به راو فرواه من وجه آخر عن غير الشيخ الذي اشتهر بورود الحديث عنه.

٣ - غريب الحديث: غريب الحديث هو الألفاظ الغامضة الواردة في متون الأحاديث، وقد جمع هذه الألفاظ الغريبة وشرحها العديد من العلماء، ويأتي في طليعة هؤلاء «ابن الأثير الجزري - ٦٠٦» في كتابه «النهاية في غريب الحديث».

(١) البخاري في الدعوات باب فضل التسييح، ومسلم في الذكر والدعاء باب فضل التهليل والتسييح.

(١) موسوعة فقه عمر بن الخطاب، مادة: (حاجة/٢) والمراجع التي أشارت إليها.